

مسائل حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

دیده بان حقوق بشر به مناسبت پیش نشست بررسی ایران به کمیته حقوق بشر سازمان ملل تقدیم کرد اوت 2011

این تفاهم نامه نکات کلی نگرانی‌های اصلی دیده بان حقوق بشر را در مورد بحران حقوق بشر در ایران ارائه می دهد که به کمیته حقوق بشر سازمان ملل («از این به بعد کمیته نامیده خواهد شد») و در پیشواز پیش نشست بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران در سال 2011 ارائه شد. دیده بان حقوق بشر امیدوار است که این تفاهم نامه زمینه آمادگی‌های کمیته را برای بررسی انطباق دولت ایران با تعهدات آن کشور تحت میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی («که از این ببعد میثاق نامیده خواهد شد») فراهم کند.

از تقدیم آخرین گزارش دولت ایران به کمیته 17 سال می گذرد. در طول این مدت، دولت ایران به شکل منظم حقوق شناخته شده این میثاق را نقض کرده است که از آن جمله می توان به ایجاد محدودیت های گسترده علیه آزادی بیان، تشکیل اجتماعات و گردهمایی‌های مسالمت آمیز، و استفاده گسترده از شکنجه، بد رفتاری و محاکمه غیرمنصفانه زندانیان سیاسی اشاره کرد. در سالهای اخیر، تعداد اعدام ها، از جمله اعدام نوجوانان، به شکل پیوسته در حال افزایش بوده است. بعد از انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری جون 2009، دولت به سیاست سرکوب فعالان حقوق بشر شدت بخشیده است. در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد، فشار بر جامعه مدنی به شدت در حال افزایش بوده است و تبعیض علیه گروه‌های مذهبی، قومی، و سایر اقلیت ها در عمل و قانون همچنان ادامه دارد.

ایران جدیدترین گزارش خود را چند ماه بعد از انتخابات ریاست جمهوری جون 2009 و به دنبال سرکوب خشن فعالان مخالف و اعتراضات عمدتاً مسالمت آمیز مردم به کمیته ارائه کرد. نیروهای امنیتی، از جمله شبه نظامیان بسیج که وابسته به نیروهای امنیتی رسمی اند، مسئول آغاز خشونت ها در آن تظاهرات بودند که در نتیجه آن ده ها تظاهرکننده کشته شدند. در ماه های بعد از انتخابات، مقامات به شکل خودسرانه هزاران تظاهرکننده و چهره های برجسته فعالان مخالف را دستگیر و بازداشت کردند. چند تن از بازداشت شدگان که مورد شکنجه و بد رفتاری قرار گرفته بودند در بازداشتگاه کهریزک، واقع در تهران، جان خود را از دست دادند. در نتیجه ی سیاست سرکوب خشن دولت، اعتراضات خیابانی در مجموع تا اوایل 2010 به خاموشی گرایید اما در مارس و فوریه 2011، با آمدن هزاران نفر به خیابان ها و ابراز حمایت از جریان های دموکراسی خواهانه کشور های همسایه، و نیز در اعتراض به دستگیری رهبران مخالفان، این اعتراضات از سر گرفته شد. واکنش شدید دولت به این موج اعتراضات منجر به کشته شدن 3 تن و دستگیری صدها نفر گردید. وزارت کشور تا کنون از صدور مجوز برای برپایی تظاهرات و گردهمایی های مسالمت آمیز امتناع می ورزد.

همچون سالیان گذشته، دولت از جمله قوه قضاییه از محاکمه و پاسخ خواهی از مقامات رسمی کشور که مرتکب نقض جدی حقوق بشر شده اند عاجز مانده است. تاکنون هیچ نوع تحقیق کامل و شفافی در مورد سرکوب خشن دولت، از جمله قتل تظاهرکنندگان و مرگ زندانیان در بازداشتگاه ها، صورت نگرفته است. با آن که شماری از کارمندان امنیتی در پشت درهای بسته در دادگاه نظامی به جرم قتل زندانیان در بازداشتگاه کهریزک محاکمه شدند، اما هیچ مقام بلندپایه ای هنوز برای ارتکاب این جرایم حتی متهم، چه رسد به محاکمه، نشده است. در همین حال دستگاه قضایی صدها تظاهرکننده، فعالان جامعه مدنی، و اعضای گروه های مخالف را محاکمه و در جریان محاکمات نمایشی آنان را به اتهام جرایم مبهم مربوط به امنیت ملی (از جمله «تبلیغ علیه نظام») محکوم و وادار به اعتراف در برنامه های تلویزیونی کرد. بسیاری از این افراد به زندان های طویل المدت و در برخی موارد به مرگ محکوم شده اند.

باوجود موارد متعدد نقض حقوق بشر توسط مسئولین دولتی، گزارش دولت ایران به نگرانی های جدی ای که در مورد نقص مفادات اصلی میثاق حقوق مدنی و سیاسی وجود دارد جواب قانع کننده ای ارائه نمی کند. در این گزارش اغلب به مواد حقوقی قانون اساسی و قانون جزا و آئین دادرسی اشاره شده است، اما در مورد اجرا و انطباق دولت با آن اصول هیچ بحثی صورت نمی گیرد. در این گزارش قوانینی که ممکن است به مسئله ی مورد بحث مربوط باشند و یا نباشند صرفاً به دنبال هم ردیف شده اند. آن بخش گزارش که به بحث پیرامون ماده های خاص میثاق می پردازد حاوی اشتباهات و حذفیات خیره کننده ای است، به عنوان نمونه در مورد کارکرد دادگاه انقلاب که ناقض اصلی حقوق بشر در ایران است، گزارش هیچ گونه معلوماتی ارائه نمی کند.

جدی ترین موارد مسئله دار در گزارش سال 2009 دولت ایران به کمیته از قرار زیر می باشد:

- گزارش به موضوع مجازات اعدام که تحت ماده 6 میثاق (به عنوان حق حیات) تعریف گردیده است، توجه ناپذیری می‌دارد، در حالیکه باور بر این است که در سال 2008، ایران 388 نفر را اعدام کرده است و از نظر تعداد اعدام سالیانه بعد از چین در رتبه دوم جهان قرار می‌گیرد؛
 - آن بخش گزارش که به موضوع شکنجه و بدرفتاری با زندانیان (ماده 7) اختصاص داده شده است، به بازگویی منع شکنجه در قوانین ایران می‌پردازد و به چند موردی اشاره می‌کند که مسئولین دولتی به علت استفاده از شکنجه ظاهراً محکوم به زندان شده‌اند، اما در مورد گزارش‌های موثق مبنی بر استفاده سیستماتیک از شکنجه در زندانهای ایران هیچ اشاره‌ای نمی‌کند؛
 - بخش انطباق دولت با ممنوعیت بازداشت و دستگیری‌های خودسرانه (ماده 9) به احکامی اشاره می‌کند که احتمالاً مربوط به محکومیت مسئولین دولتی می‌باشد که این حقوق را نقض کرده‌اند، اما به تحلیل مواردی که نیروهای امنیتی و اطلاعاتی افراد را دستگیر، بازداشت و در سلول‌های انفرادی نگهداری می‌کنند نمی‌پردازد؛
 - گزارش در مورد برخورد با زندانیان و بازداشتیان (ماده 10) با تفصیل بحث می‌کند، اما این بحث در کل به شرح برنامه‌ها و سیستم‌هایی می‌پردازد که ظاهراً در راستای بهبود وضعیت کنونی ایجاد شده است. گزارش در مورد مشکلات جدی‌ای که زندانیان و بازداشتیان با آن دست به گریبان‌اند، به ویژه زندانیانی که متهم به جرائم مربوط به امنیت ملی بوده و یا توسط دادگاه‌های انقلاب محکوم شده‌اند، هیچ اشاره‌ای نمی‌کند؛
 - آن بخش گزارش که به موضوع برگزاری محاکمات عادلانه و دادرسی منصفانه (ماده 14) می‌پردازد از ارائه معلومات در مورد کارکرد دادگاه‌های انقلاب عاجز می‌ماند. دادگاه انقلاب نهادی است که دولت با محاکمه بسیاری از مخالفان سیاسی در آن، حق دسترسی به برگزاری دادگاه منصفانه را به شکل سیستماتیک و جدی نقض می‌کند؛
 - گزارش در مورد حق آزادی بیان (ماده 19) از بحث پیرامون محدودیت‌های جدی‌ای که دولت با وضع قوانین و سیاست‌های سرکوبگرانه علیه ابراز مسالمت‌آمیز مخالفت ایجاد کرده است، چشم‌پوشی می‌کند؛
 - در مورد حق تشکیل مسالمت‌آمیز مجامع و برگزاری گردهمایی‌ها (ماده 21 و 22)، گزارش از نقد شیوه‌هایی که دولت به شکل سیستماتیک برای درهم شکستن و ممانعت از شکل‌گیری جلسات و گردهمایی‌های گروه‌های جامعه مدنی مانند دانشجویان، زنان، کارگران، ژورنالیست‌ها، وکلا، و گروه‌های حقوق بشری استفاده می‌کند عاجز می‌ماند.
- به طور خلاصه، نتیجه‌گیری کمیته در مورد گزارش 17 سال قبل ایران، متأسفانه امروز نیز به همان اندازه صادق می‌باشد: گزارش ایران «عملاً هیچ معلوماتی در مورد عوامل و مشکلاتی که در راه تطبیق میثاق وجود دارد» ارائه نمی‌کند.

عدم همکاری ایران با مجامع حقوق بشری سازمان ملل متحد

از اواخر سال 2009 که ایران گزارش خود را به کمیته ارائه داد، بحران حقوق بشر در آن کشور صرفاً عمیق‌تر شده است.¹ دیده بان حقوق بشر به ویژه در مورد هدف قرار دادن گسترده فعالان جامعه مدنی، مانند وکلا، دانشجویان، فعالان حقوق زن، ژورنالیست‌ها، و افزایش سریع اعدام‌ها نگران می‌باشد.² به علاوه، سابقه همکاری دولت با نهاد‌های بین‌المللی، به ویژه با مکانیزم‌های حقوقی سازمان ملل متحد، در سطح نازلی قرار دارد. موضوع تکان دهنده، ممانعت ایران از صدور مجوز بازدید به نماینده ویژه سازمان ملل متحد می‌باشد که علیرغم تقاضاهای مکرر و طولانی سازمان ملل جهت اجازه بازدید از آن کشور بی‌پاسخ مانده است. از سال 2005 تاکنون، هیچ نماینده ویژه سازمان ملل از ایران بازدید نکرده است. همچنین، دولت با شکست در اجرای پیشنهادات گروه‌های کارشناس سازمان ملل، عدم تعهدش را به همکاری با این سازمان نشان داده است. در جولای 2011، دولت ایران رسماً عدم تمایلش را به

¹ نگاه کنید به اعلامیه خبری دیده بان حقوق بشر: «ایران: بحران یک سال بعد از انتخابات عمیق‌تر شده است» 10 جون 2010، قابل دسترس در: <http://www.hrw.org/en/news/2010/06/10/iran-crisis-deepening-one-year-after-disputed-elections>

² نگاه کنید به اعلامیه خبری دیده بان حقوق بشر، «بحران عمیق حقوق بشر در ایران» در تاریخ 26 جنوری 2011، قابل دسترس در: <http://www.hrw.org/news/2011/01/26/iran-deepening-crisis-rights>

همکاری و صدور مجوز بازدید به نماینده انتصابی جدید سازمان ملل در امور آن کشور اعلام داشت. با توجه به بدتر شدن وضعیت حقوق بشر در ایران، شورای امنیت پست نمایندگی ویژه در امور ایران را در ماه مارچ 2011 ایجاد کرد.³

یک نمونه عدم همکاری دولت، رویکرد خصمانه آن به روند بررسی دوره ای جهانی سازمان ملل از وضعیت حقوق بشر در آن کشور می باشد که در فوریه 2010 برگزار شد. دولت در آن نشست از پذیرش هرگونه انتقاد اساسی از کارنامه حقوق بشری خود، حتی در مواردی که موضوع به شکل بسیار دقیق آن مستندسازی شده بود، بی پرده پوشی امتناع ورزید. ایران از پذیرش 45 پیشنهاد کشورهای عضو در آن نشست، از جمله صدور مجوز بازدید از آن کشور برای نماینده ویژه سازمان ملل در مورد شکنجه، محاکمه مسئولین امنیتی که متهم به شکنجه، تجاوز به عفت و قتل هستند، اعمال سیاست های خاص برای ختم خشونت های جنسی، و توقف اعدام از جمله اعدام مخالفان سیاسی، امتناع کرد.

با وجود این سابقه عدم همکاری، ایران در سال 2010 خود را نامزد احراز کرسی در شورای حقوق بشر سازمان ملل کرد اما به دنبال مخالفت قوی بین المللی با این مسئله، ایران در ماه آوریل از نامزدی خود در آن شورا صرف نظر کرد. در جریان جلسه ماه جون شورای حقوق بشر، 56 کشور نگرانی خود را به شکل مشترک «از عدم پیشرفت در ایجاد حمایت از حقوق بشر در ایران، به ویژه بعد از حوادث انتخابات ماه جون سال گذشته» در یک اعلامیه ابراز کردند. با آن که ایران توانست در کمیسیون وضعیت زنان کرسی ای را به دست آورد، اما از احراز کرسی در هیئت مدیره نهاد تازه تاسیس سازمان ملل در امور زنان در ماه نوامبر ناکام ماند.

در اکتبر 2010، به دنبال مصوبه 176/64 مجمع عمومی، دفتر دبیر کل سازمان ملل متحد گزارش خود را در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران انتشار داد. گزارش «از رشد منفی بیشتر وضعیت حقوق بشر» از جمله «استفاده بیش از حد از قوه قهریه، بازداشت و دستگیری خودسرانه، برگزاری دادگاه های ناعادلانه، و احتمال شکنجه و بدرفتاری با زندانیان» بعد از انتخابات جون 2009 ایران نگرانی کرد. یک ماه بعد، کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیشنهاد قطعنامه ای را تصویب کرد که ایران را به دلیل نقض فاحش حقوق بشر محکوم می کرد. قطعنامه، که از سال 2004 به این سو هر ساله تصویب می شود، این بار نیز با اکثریت ارا تایید شد.

دیده بان حقوق بشر «فهرست ذیل» را در مورد نگرانی های حقوق بشر در ایران به کمیته ارائه کرد:

مجازات اعدام و قتل های فرا قضایی (ماده 2،6):

در سال 2010، مقامات ایرانی از اعدام 252 نفر گزارش دادند، اما گروه های مدافع حقوق بشری معتقدند که دولت چند صد نفر دیگر را بدون اذعان رسمی اعدام کرده است.⁴ اکثریت افراد اعدام شده به جرم داشتن و قاچاق مواد مخدر محکوم شده بودند.⁵ بنا به گزارش عفو بین الملل، ایران 388 نفر را در سال 2009 اعدام کرده است که از این لحاظ در تبه دوم بعد از چین در جهان قرار می گیرد. دیده بان حقوق بشر ده ها مورد اعدام، از جمله اعدام 9 تن از مخالفان سیاسی که در سال 2010 به جرم محاربه (معنی تحت الفظی آن جنگ با خداوند می باشد) توسط دادگاه های انقلاب محکوم به اعدام شدند، را از سال 1993 - یعنی سالی که ایران گزارش خود را به کمیته حقوق بشر ارائه داد- تاکنون به تفصیل مستند ساخته است.⁶ با جود این، دولت در گزارش خود به کمیته به صدور مجازات اعدام توسط دادگاه های انقلاب برای جرم محاربه که اغلب علیه زندانیان سیاسی و افراد مخالف، به ویژه در مناطق اقلیت های قومی که حرکت های جدایی خواهانه مسلحانه در آن در جریان است صادر می شود، هیچ اشاره ای نمی کند.⁷

دیده بان حقوق بشر در مورد شیوع بالای اعدام توسط مقامات دولتی در مناطق اقلیت های قومی به شدت نگران است. به عنوان نمونه، در دسامبر 2010، مقامات 11 تن را در استان سیستان و بلوچستان به اتهام همکاری با یک گروه جدایی طلب، که مسئولیت یک حمله

³ نگاه کنید به اعلامیه خبری دیده بان حقوق بشر: «سازمان ملل: مجامع حقوق بشری در مورد ایران و ساحل عاج با قاطعیت عمل کردند»، مارس 2011، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/news/2011/03/25/un-rights-body-acts-decisively-iran-cote-d-ivoire>.

⁴ نگاه کنید به اعلامیه خبری عفو بین الملل تحت عنوان «مجازات اعدام در سال 2010: کشورهای اعدام کننده بعد از یک دهه رشد تنها مانده اند»، 28 مارس 2011، قابل دسترس در <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/report/death-penalty-2010-executing> (accessed August 23, 2011). countries-left-isolated-after-decade-progress

⁵ نگاه کنید به اعلامیه خبری دیده بان حقوق بشر، «ایران: به فراخوان برنده جایزه صلح نوبل و مدافع حقوق بشر در مورد مجازات اعدام گوش فرا دهید»، 16 فوریه 2011، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/news/2011/02/16/iran-nobel-laureate-shirin-ebadi-and-rights-groups-demand-moratorium-executions>

⁶ نگاه کنید به اعلامیه خبری دیده بان حقوق بشر، «ایران، مخالفان اعدام شده «شکنجه شدند تا اعتراف کنند» 11 می 2010، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/en/news/2010/05/11/iran-executed-dissidents-tortured-confess>

⁷ گزارش بدون ارائه هیچ نوع دلیل از محاربه در ماده 186 قانون مجازات اسلامی به عنوان «سرقت مسلحانه» یاد می کند. شخصی که در مبارزه علیه دولت اسلحه به دست گیرد و یا عضو گروهی باشد که اقدام به مبارزه مسلحانه علیه دولت کرده باشد به جرم محاربه محکوم خواهد شد. مقامات ایرانی ادعا می کنند که از این جرم اغلب برای محاکمه کردن «تروریست ها» در دادگاه استفاده می شود.

انتحاری که موجب قتل 39 غیر نظامی در شهر چابهار در 15 دسامبر 2010 شد را به عهده گرفته بود، اعدام کردند.⁸ گفته می‌شود متهمان توسط قاضی دادگاه انقلاب به جرم محاربه محکوم و در ظرف کمتر از یک هفته بعد از وقوع انفجار به دار آویخته شدند. در حال حاضر، دست کم 16 تن کرد در انتظار اعدام به سر می‌برند که اکثریت آنان به جرائم مرتبط با امنیت ملی مانند محاربه محکوم شده‌اند.⁹

قانون مجازات اسلامی برای جرایمی که از نظر میثاق در جمله «جدی ترین جرایم» محسوب نمی‌شود، مانند زنا، محصنه، داشتن و قاچاق مواد مخدر، و رفتارهای همجنسگرایانه، حکم اعدام می‌دهد.¹⁰ گزارش دولت ایران اصرار می‌ورزد که اعدام افراد زیر 18 سال در ایران ممنوع می‌باشد، اما با این همه ایران بیشتر از هر کشور دیگر جهان نوجوانان را اعدام می‌کند. دست کم 5 نوجوان در سال 2009 در آن کشور اعدام شدند و در حال حاضر، بیشتر از صدها نوجوان در انتظار اعدام به سر می‌برند.¹¹ گروه‌های حقوق بشر گزارش‌های موثقی در دست دارند که حدود صدها زندانی که اغلب آنان به جرائم مربوط به مواد مخدر محکوم شده بودند بعد از برگزاری محاکمات ناعادلانه و بدون اطلاع وکلا و اعضای خانواده آنان، توسط مقامات زندان در شمال شرق کشور مخفیانه اعدام شده‌اند.¹²

نیروهای امنیتی مسئول قتل ده‌ها تظاهرکننده بعد از انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری جون 2009 اند. اکثر آیین قتل‌ها فراقتضایی بوده‌اند. چندین تظاهرکننده در بازداشت جان دادند.¹³ نیروهای امنیتی دست کم به قتل سه تظاهرکننده دیگر نیز متهم می‌باشند.¹⁴ دیده بان حقوق بشر گزارشات موثقی در دست دارد که نشان می‌دهد ده‌ها تظاهرکننده، که اکثریت آنان از جمله گروه قومی عرب بودند، توسط نیروهای امنیتی در استان خوزستان واقع در جنوب غرب کشور کشته شدند.¹⁵ دولت از تحقیق پیرامون چگونگی قتل این افراد چشم‌پوشی کرده است.

بازداشت و دستگیری‌های خودسرانه (ماده‌های 2، 9، 10، 14):

دیده بان حقوق بشر نمونه‌های زیادی از بازداشت و دستگیری‌های خودسرانه را از سال 1993 که ایران گزارش خود را به کمیته ارائه داد تاکنون مستند ساخته است. دیده بان حقوق بشر اسنادی در دست دارد که نشان می‌دهد وضعیت حقوق بشر بعد از انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری جون 2009 به طور قابل توجهی بدتر شده است. مقامات اذعان کرده‌اند که بیش از 4000 نفر را در جریان و یا بعد از ناآرامی‌های انتخابات 2009 دستگیر کرده‌اند که بیشتر این افراد دستگیر شده تظاهرکنندگان مسالمت‌آمیز، منتقدین دولت، و فعالان جامعه مدنی بوده‌اند.¹⁶ مقامات صدها نفر دیگر را پس از تظاهرات ضد دولتی در ماه‌های فوریه و مارس 2011

⁸ نگاه کنید به اعلامیه خبری عفو بین‌الملل، «11 نفر به دنبال انفجار حمله انتحاری به دار آویخته شدند»، 21 دسامبر 2010، قابل دسترس در <http://www.amnesty.org.au/news/comments/24407/>

⁹ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه‌های خبری دیده بان حقوق بشر، «ایران: حکم اعدام مخالفان کرد را لغو کنید»، 26 دسامبر 2010، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/en/news/2010/12/24/iran-rescind-execution-order-kurdish-student>; «ایران: اعدام قریب الوقوع مخالفان کرد را متوقف کنید»، 29 جون 2010، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/en/news/2010/06/29/iran-stop-imminent-execution-kurdish-dissident>

¹⁰ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه خبری دیده بان حقوق بشر، «ایران، تبعیض و خشونت علیه اقلیت‌های جنسی»، 15 دسامبر 2010، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/news/2010/12/15/iran-discrimination-and-violence-against-sexual-minorities>

¹¹ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه خبری دیده بان حقوق بشر، «ایران، عربستان سعودی، سودان: به اعدام نوجوانان پایان دهید» 9 اکتبر 2010، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/en/news/2010/10/09/iran-saudi-arabia-sudan-end-juvenile-death-penalty>، دولت ادعا می‌کند که آنان هیچ‌کسی را که زیر 18 سال باشد اعدام نمی‌کنند، آنان انتظار می‌کشند تا نوجوان 18 ساله شود و بعد حکم اعدام را اجرا می‌کنند.

¹² به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران، «ده تن دیگر مخفیانه اعدام شدند، شهروندان خارجی در میان اعدام‌شدگان بودند»، 3 نوامبر 2010، قابل دسترس در <http://www.iranhumanrights.org/2010/11/ten-executions-vakilabad/> (آخرین بازدید 23 اوت 2011).

¹³ به عنوان نمونه نگاه کنید، دیده بان حقوق بشر، جمهوری اسلامی، ص 31، فوریه 2010، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/en/reports/2010/02/11/islamic-republic-31-0>.

¹⁴ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: به خشونت علیه تظاهرکنندگان پایان دهید» 3 مارس 2011، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/news/2011/03/03/iran-end-violence-against-protesters-0>.

¹⁵ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: در مورد قتل تظاهرکنندگان تحقیق کنید» 29 آوریل 2011، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/news/2011/04/29/iran-investigate-reported-killings-demonstrators>.

¹⁶ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: پاپوش درست کردن برای مخالفان دولت را متوقف کنید»، 21 جولای 2009، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/en/news/2009/07/21/iran-stop-framing-government-critics>

دستگیر کردند.¹⁷ دیده بان حقوق بشر معتقد است در حال حاضر صد ها تن صرفاً به دلیل ابراز مسالمت آمیز عقاید سیاسی خود در زندان به سر می برند.

دیده بان حقوق بشر نمونه هایی را مستند ساخته است که نشان می دهد ماموران اطلاعاتی و امنیتی، اغلب با لباس شخصی، به خانه ها یورش برده و بعد از ضبط وسایل مظنونان، آنها را به زندان های مخفی منتقل کرده اند.¹⁸ بیشتر قربانیان و اعضای خانواده آنها گفته اند که ماموران یا حکم بازداشت نداشتند، یا حکم بازداشت خالی بوده است، و یا اینکه حکم بازداشت «عمومی» بوده و اجازه بازداشت هرکسی را که در تظاهرات ضد دولتی شرکت داشته به ماموران می داده است.¹⁹ با این که اکنون از شدت بازداشت و دستگیری های خودسرانه در مقایسه با زمان بلافاصله پس از انتخابات تا حدودی کاسته شده است، اما نیروهای امنیتی و اطلاعاتی با راه اندازی «برنامه های متناوب» به دستگیری و بازداشت خودسرانه چهره های مخالف، مدافعان حقوق بشر، و فعالین جامعه مدنی ادامه می دهند.

مقامات اغلب بازداشت شدگان را «قبل از محاکمه» در زندان های انفرادی و یا در بازداشت «موقت» نگهداری می کنند بدون آن که آنان به خانواده و وکیل برای هفته ها و گاهی ماه ها دسترسی داشته باشند. چنانچه در ذیل شرح داده خواهد شد، در این مدت بازداشت شدگان اغلب مورد بازجویی های طولانی مدت و بدرفتاری قرار گرفته و در سلول های انفرادی نگهداری می شوند.²⁰ مقامات اغلب افراد را به شکل منظم دستگیر می کنند بدون آن که آنان را فوراً به شکل کتبی از اتهامات شان آگاه کنند یا دلیل ادامه بازداشت آنها را بعد از حد مجاز 24 ساعت مطابق قوانین ایران توضیح دهند، و یا به آنان اجازه دهند تا علیه تمدید مدت بازداشت خود اقامه دعوا کنند.²¹ در مواردی که می شود متهم را با قید وثیقه آزاد کرد، مقامات وثیقه را آن چنان سنگین تعیین می کنند که خانواده متهم از عهده تامین آن عاجز می ماند. این یک امر غیر معمول نیست که دادستان متهم را چند ماه بعد از دستگیری، و اگر نه چند روز، تنها چند هفته قبل از برگزاری دادگاه رسماً تفهیم اتهام کند.²²

شکنجه و بدرفتاری با بازداشت شدگان و بدرفتاری در زندان (ماده های 2، 7، 10، 14، 17)

گزارش دولت ایران تلاش نمی کند تا به مشکلات بنیادی ای که در زمینه کاربرد شکنجه و بدرفتاری (رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده) با زندانیان، به ویژه آنانی که به جرائم امنیت ملی متهم و یا توسط دادگاه های انقلاب محاکمه شده اند، پاسخ دهد. به علاوه، گزارش دولت ایران در مورد نقض برگزاری دادگاه های منصفانه، که زمینه شکنجه و بدرفتاری با زندانیان از جمله بازداشت طولانی مدت و انفرادی قبل از دادگاه را فراهم می آورد و به ایجاد یک سیستم قضایی مستقل آسیب می رساند، هیچ جوابی ارائه نمی کند.

از سال 1993، دیده بان حقوق بشر تا امروز موارد متعددی را مستند ساخته است که نشان می دهد ماموران وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، پلیس و شبه نظامیان بسیج مسئول موارد متعدد شکنجه، به ویژه شکنجه زندانیان سیاسی بوده اند. شکنجه ها شامل ضرب و شتم، بی خوابی طولانی مدت، اعدام های ساختگی، تجاوز به عنف، و اشکال دیگر خشونت های جنسی می باشند.²³ در تاریخ 11 می 2011، 26 زندانی مشهور در نامه ای به مقامات زندان از نقض روزمره قوانین ایران، من جمله قوانین شهروندی که زندانیان را در مقابل شکنجه و بدرفتاری ها و نقض موازین آئین دادرسی در طول بازداشت و بازجویی محافظت می کند، شکایت کردند.²⁴ از سال

¹⁷ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «به خشونت علیه تظاهرکنندگان پایان دهید»، 3 مارس 2009، قابل دسترس در

<http://www.hrw.org/news/2011/03/03/iran-end-violence-against-protesters-0>

¹⁸ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: سرکوب را متوقف کنید»، 19 جون 2009، قابل دسترس در

<http://www.hrw.org/en/news/2009/06/19/iran-halt-crackdown>

¹⁹ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «سرکوب خشونت آمیز معترضان گسترده می شود»، 23 جون 2009، قابل دسترس در

<http://www.hrw.org/en/news/2009/06/23/iran-violent-crackdown-protesters-widens>

²⁰ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: حکایت محبوسین از ضرب و شتم و فشار برای اعتراف گیری»، 8 جولای 2009، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/en/news/2009/07/08/iran-detainees-describe-beatings-pressure-confess>

²¹ قوانین ایران از قاضی می خواهد که برای تمدید مدت بازداشت موقت دلایل کافی ارائه کند. در غیر آن صورت، آنان باید به زندانی اجازه دهند تا با قرار وثیقه از زندان آزاد شوند.

²² به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «فعال حقوق بشر را آزاد و دادگاه عادلانه را تضمین کنید»، 1 نوامبر

2009، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/en/news/2010/09/01/iran-release-rights-activist-guarantee-fair-trial>.

²³ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «به سرپوش گذاشتن موارد تجاوز جنسی در زندان ها پایان دهید»، 9 جون

2009، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/en/news/2009/06/09/iran-stop-covering-sexual-assaults-prison>

²⁴ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی کمیسیون بین المللی حقوق بشر در ایران، «به شکایت زندانیان عقیدتی در خصوص شکنجه، تخلفات گسترده آئین

دادرسی رسیدگی کنید»، 16 می 2011، قابل دسترس در <http://persian.iranhumanrights.org/1390/02/investigate-torture-claims-letter/>

2003 تاکنون، دست کم 17 زندانی سیاسی ظاهراً در اثر شکنجه، بدرفتاری و کم توجهی مسئولین جان خود را در زندان های ایران از داست داده اند.²⁵

ميثاق ساير شيوه هاى مجازاتى را كه قانون مجازات اسلامى مجاز مى داند، مانند سنگسار كردن، شلاق زدن، قطع دست و پا، دار آويختن، مصداق شکنجه مى داند. توهين هاى روانى ويا «شكنجه هاى سفيد» كه معمولاً در زندان هاى ايران بكار برده مى شود، از جمله نگهدارى در زندان انفرادى طولانى مدت، نيز مطابق با ميثاق از مصدايق شکنجه محسوب مى شوند.²⁶ در بسيارى موارد از اعترافى كه تحت شکنجه اخذ شده اند و قاضى و رئيس دادگاه نيز از اخذ اجبارى اعترافات مذكور آگاه بوده اند، به عنوان سند در دادگاه استفاده شده است.

بخش و يا بندهاى خاص زندان اوين تحت كنترل نيروهاى اطلاعاتى و امنيتى مختلف مى باشند. مثلاً بند 209 توسط وزارت اطلاعات اداره و بند 2 الف توسط سپاه پاسداران اداره مى شود. سازمان زندان ها و اقدامات تامينى و تربيتى كشور، كه مسئول بررسى و اداره زندان هاست، به بندهاى فوق دسترسى منظم ندارد و نمى تواند بر اجراى قوانين ايران و قوانين بين المللى در بندهاى مذكور نظارت داشته باشد.²⁷ به علاوه، از سال 1993 به اين سو، زندان هاى غيرقانونى و مخفى و موقتى زيادى كه تحت كنترل نيروهاى امنيتى مختلف از جمله نيروهاى انتظامى بوده است، خارج از حيطه نظارت سازمان زندان ها فعاليت داشته اند. شکنجه و بدرفتارى با زندانيان يك امر معمولى در زندان هاى فوق مى باشد.²⁸

حتى در مكان هاى كه سازمان زندان ها به آن دسترسى داشته است، ديده بان حقوق بشر نقض مكرر و سيستماتيك حقوق زندانيان مانند محدوديت غيرمنطقى در ملاقات با خانواده ها، عدم ارائه تسهيلات مناسب بهداشتى، مزدحم بودن اتاق، و عدم جدا سازى زندانيان را مستند ساخته است.²⁹ به علاوه، ديده بان حقوق بشر نمونه هاى را مستند ساخته است كه مقامات زندان مانع دسترسى زندانيان به خدمات پزشكى لازم و ضرورى شده اند.³⁰

با وجود اين واقعيت هاى غم افزا، گزارش دولت ايران ادعا مى كند كه مقامات به حقوق زندانيان احترام مى گزارند، «بيشتر از 80 مجمع حقوق بشرى از زندان هاى كشور بازديد» كرده اند، زندان انفرادى «به عنوان اعمال جزايى تاديبى كاملاً حذف شده است» و زندانيان از حق ملاقات و خدمات پزشكى هرروزه بهره مند مى باشند. در 8 اوت 2011، رئيس سازمان زندان ها با وقاحت ادعا كرد كه هيچ زندان و بازداشتگاه اعلام نشده اى در ايران كه تحت پوشش سازمان زندان ها نباشد وجود ندارد و گفت، «شكنجه در زندان هاى جمهورى اسلامى ايران اصلاً معنى و مفهوم ندارد و شكنجه در زندانهاى ايران يك دروغ شاخدار است».³¹

عدم دادرسى منصفانه و برگزارى دادگاه عادلانه (ماده هاى 2، 9، 10، 14)

تبصره هاى كميته در مورد گزارش 1993 ايران كه «عدم احترام به دادرسى منصفانه مطابق با قانون، به ويژه در دادگاه هاى انقلاب، جايى كه قرار است همه دادگاه ها در جلو دوربين ها برگزار شود اما در واقعيت امر هيچ زمينه دادرسى منصفانه اى براى متهم در آنجا وجود ندارد را محكوم كرد»، امروز نيز صادق مى باشد. گزارش امروز ايران از ارائه معلومات زيربسط در مورد كار كرد دادگاه هاى انقلاب عاجز مى ماند. دادگاه هاى انقلاب جايى است كه مقامات، مخالفان سياسى و مجرمين مواد مخدر را در آن با برگزارى دادگاه هاى غيرمنصفانه كه در تناقض با الزامات مندرج در ميثاق مى باشد، محاكمه مى كنند.

²⁵ نگاه كنيد به اعلاميه مطبوعاتى كميسين بين المللى حقوق بشر در ايران، «مرگ در زندان ها و پرونده هاى هميشه باز»، 24 جون 2011، <http://www.iranhumanrights.org/2011/06/death-in-prison> (آخرين بازديد از صفحه 23 اوت 2011)

²⁶ به عنوان نمونه نگاه كنيد به گزارش ديده بان حقوق بشر، مانند مرگگان در تابوت، جون 2004، قابل دسترس در

<http://www.hrw.org/en/reports/2004/06/06/dead-their-coffins-0>

²⁷ ديده بان حقوق بشر نمونه هاى را مستند ساخته است كه نشان مى دهد شکنجه در آن بندهاى كه سازمان زندان ها دسترسى داشته است نيز صورت گرفته است.

²⁸ ديده بان حقوق بشر، مانند مرگگان در تابوت، جون 2004، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/en/reports/2004/06/06/dead-their-coffins-0>

²⁹ به عنوان نمونه نگاه كنيد به اعلاميه مطبوعاتى ديده بان حقوق بشر، «ايران: به آزار زندانيان پايان دهيد»، 6 اوت 2010، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/news/2010/08/06>

³⁰ به عنوان نمونه نگاه كنيد به اعلاميه مطبوعاتى ديده بان حقوق بشر، «ايران: فعال حقوق بشر محبوس را آزاد كنيد و به او اجازه دسترسى به خدمات پزشكى بدهيد»، 28 جولای 2010، قابل دسترس در <http://www.hrw.org/news/2010/07/28>

³¹ نگاه كنيد به خبرنامه بى بى سى فارسى، «رئيس سازمان زندان ها: شکنجه در ايران دروغ شاخدار است»، 8 اوت 2011، قابل دسترس در http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/08/110807_u02_iran_prisons.shtml (آخرين ديدار 23 اوت 2011)

جدی ترین موارد نقض برگزاری دادگاه های منصفانه در دوره بازداشت قبل از محاکمه صورت می گیرد. مقامات زندان هر روزه بازداشت شدگان سیاسی را از ملاقات با وکلایشان محروم کرده و زمان و امکانات لازم برای دفاع را برای آنان فراهم نمی کنند. در دوره بازداشت قبل از محاکمه، فعالان سیاسی اغلب در سلول های انفرادی و در زندان های نامعلوم نگهداری می شوند که این موضوع به خودی خود زمینه بدرفتاری و شکنجه برای اخذ اعترافات اجباری را فراهم می کند.³² قوه قضائیه در این ارتباط به ماده 128 آئین دادرسی متوسل می شود که به قضات اجازه می دهد در مرحله ی تحقیق از دسترسی فرد متهم به جرائم مربوط به امنیت ملی به وکیل جلوگیری کنند.³³

دادستان و بازجویانی که مسئول انجام تحقیقات در مرحله تحقیق می باشند، به ویژه آنانی که در اوین کار می کنند، تحت هدایت و نفوذ سرویس های اطلاعاتی مانند وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران فعالیت می کنند.³⁴ قضات در این موارد مدت بازداشت متهم را تمدید می کنند بدون آن که دلایل این اقدام خود را توضیح دهند. به علاوه، بعد از سرکوب اعتراضات خیابانی به دنبال انتخابات 2009، دفاع از زندانیان سیاسی دشوارتر شده است. این امر تاحدودی به تاسیس دفتر دادستانی در داخل زندان اوین توسط قوه قضائیه بر می گردد. این دفتر به شکل منظم از ملاقات وکلا با موکلین آنان ممانعت کرده و از بررسی پرونده های آنان جلوگیری می کند. وکلای مدافع زندانیان سیاسی شکایت دارند که از سال 2009 تاکنون، قضات دادگاه انقلاب از دسترسی آنان به موکلین شان بدون ارائه دلیل جلوگیری کرده و جهت اخذ مجوز آنان را به دادستانی ارجاع می دهند.³⁵

شیوه های دادرسی در دادگاه انقلاب به ندرت با موازین میثاق مبنی بر «دادرسی منصفانه و عمومی» مطابقت دارد و دادگاه ها نیز فاقد شرایط لازم «یک دادگاه مستقل و بی طرف» می باشند. دیده بان حقوق بشر موارد متعددی را مستند ساخته است که وکلای مدافع صرفاً مدتی کوتاه قبل از شروع محاکمه به پرونده موکل خود دسترسی داشته اند.³⁶ علاوه بر آن، این دادگاه ها اغلب با بی نظمی های جدی دادرسی مواجه اند. علیرغم حکم صریح قانون اساسی ایران مبنی بر برگزاری محاکمات سیاسی و مطبوعاتی در محضر عام و در حضور هیئت منصفه، بسیاری از محاکمات در دادگاه های انقلاب در پشت درهای بسته صورت می گیرد.³⁷ قضات گاهی وکلا را از سخن گفتن و دفاع موثر از موکل خود در صحن دادگاه باز می دارند.³⁸ بارها اتفاق افتاده است که افراد در اثر این نوع برخورد محکوم به جرمی شده اند که برای آن هیچ و یا اسناد کمی حاکی از ثبوت جرم وجود داشته است.³⁹

نمونه های بارز عدم پابندی قضات دادگاه انقلاب به دادرسی منصفانه، صدور احکام غیرمنصفانه و سنگینی است که توسط قاضی صلواتی (شعبه 15) و قاضی مغیسه ای (شعبه 28) (که اکثراً مسئولیت محاکمه متهمین بازداشت شده در اعتراضات بعد از انتخابات را بر عهده داشتند) صادر شده اند. مثال های برجسته دیگر آن، محاکمات نمایشی صدها نفری است که بعد از انتخابات به شکل دسته جمعی دستگیر و محاکمه شدند.⁴⁰ این افراد را پس از آن که مجبور ساختند برخلاف میثاق که می گوید «هیچ کسی را نباید مجبور کرد تا علیه خود شهادت بدهد»، جلو دوربین ها علیه خود شهادت دهند، توسط دادستان ها نه به جرائم جنایی بلکه جرایم میرهن سیاسی مانند «اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «اخلال در نظم عمومی»، «عضویت در سازمان های غیر قانونی» و «شرکت در گردهمایی های غیر قانونی» متهم کردند.

محدودیت بر آزادی بیان (ماده 17، 19)

دولت با استفاده از قانون و مقررات دولتی به محاکمه جنایی و سرکوب شدید مطبوعات و اعتراضات مخالفت آمیز می پردازد.

³² نگاه کنید به گزارش دیده بان حقوق بشر «شما هرکسی را به هر دلیلی می توانید بازداشت کنید»
³³ همانجا، بنا بر مصاحبه هایی که دیده بان حقوق بشر با وکلا انجام داده است، مقامات می توانند برای یک مدت معین از دسترسی متهمین به وکیل جلوگیری کنند،
آنهم در صورتی که دلایل بازداشت را نیز توضیح دهند.

³⁴ به عنوان نمونه نگاه کنید به «مانند مردگان در تابوت شان».

³⁵ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر: «ایران: به آزار زندانیان سیاسی پایان دهید» 6 اوت 2010، قابل دسترسی در

<http://www.hrw.org/news/2010/08/06>

³⁶ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: فعالان حقوق بشر را آزاد کنید؛ برگزاری دادگاه عادلانه را تضمین نمایید.» 1

سپتامبر 2009، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/news/2010/09/01-0>.

³⁷ باوجود این، گزارش دولت ایران ادعا می کند که «به استثنای موارد خاص، مطابق ماده 168 دادگاه ها باز و قابل دسترسی عموم مردم می باشند.» اما وقتی پای دادگاه انقلاب به میان می آید این «موارد خاص» به یک هنجار تبدیل می شود.

³⁸ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: اعدام شدگان دگراندیش جهت اعتراف گرفتن شکنجه شدند»، 11 می 2010، قابل

دسترسی در <http://www.hrw.org/news/2010/05/11>

³⁹ نمونه آن عبارت است از محاکمه فرزند کامگار و شیوا نظر آهاری، دو تن از فعالان حقوق بشر، در پشت درهای بسته به اتهام محاربه به دلیل فعالیت های آنان در سازمان های تروریستی. (مقامات کامگار را در می 2010 اعدام کردند). نمونه دیگر آن، محاکمه و محکومیت 7 تن از رهبران بهائیان به اتهام خرابکاری است. دادستان هیچ سندی مبنی بر دست داشتن این 7 تن به خرابکاری ارائه نداد.

⁴⁰ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: دادگاه نمایشی نمایانگر بازداشت خودسرانه است»، 4 اوت 2009، قابل دسترسی

<http://www.hrw.org/news/2009/08/04-0>

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست انجمن مطبوعات را بر عهده دارد که یک نهاد نظارتی برای صدور مجوز انتشار بر اساس معیارات کاملاً ذهنی مانند عقاید سیاسی فرد، تعهد به اصول اسلامی، و دفاع از «حق و منافع ملت» است و یک سیستم پیچیده قوانین، از جمله قانون مطبوعات و قانون جزایی اسلامی، حد و مرز آنچه که یک شخص می تواند بنویسد و ننویسد را تعیین می کند.

اغلب ژورنالیست ها از جمله اولین قربانیان کارزار سانسور دولت ایران می باشند. در حال حاضر، بیشتر از 30 ژورنالیست در حبس به سر می برند. از اوایل 2011 تاکنون، بیشتر از 60 ژورنالیست مجبور شده اند تا کشور را ترک کنند و دست کم 40 نشریه از سال 2009 تاکنون تعطیل شده اند. دادستان ژورنالیست ها را متهم به جرایمی نموده است که علناً نقض آزادی بیان است، مانند «تبلیغ علیه نظام». دادگاه در چنین مواردی احکام سنگینی چون شلاق و ممنوعیت از کار را صادر کرده است.⁴¹ بازداشت و پیگرد بر اساس این قوانین، ایران را به یکی از بزرگترین زندان ها برای ژورنالیست ها و وبلاگ نویسان در جهان مبدل کرده است.⁴²

دولت وبلاگ نویسان را نیز به همین صورت هدف قرار داده و محاکمه کرده است. سعید مرتضوی، قاضی سابق که به دلیل بستن نشریات متعدد اصلاح طلبان در سال 2002 به «قصاب مطبوعات» معروف است، در سال 2004 بیشتر از 20 ژورنالیست را خودسرانه بازداشت و دستگیر کرد و بعد از انتقال به زندان های مخفی ای که تحت سرپرستی او قرار داشت، آنان را توسط نیروهای امنیتی مجبور ساخت تا علیه خود دست به اعترافات دروغین بزنند.⁴³ در سپتامبر 2010، دادگاه انقلاب حسین درخشان، یکی از وبلاگ نویسان برجسته ایرانی، را به 19 سال و نیم زندان محکوم کرد. این سنگین ترین حکمی بوده است که دادگاه انقلاب تاکنون به یک وبلاگ نویس داده است.⁴⁴

مقامات به شدت در دانشگاه ها بر آزادی بیان دانشجویان، استادان، و کارمندان اداری آن نظارت می کنند. در سال 2005، وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی یک کارزار تهاجمی خشن را به راه انداخت تا بر فعالیت های مطبوعاتی دانشجویان، ممانعت فعالان دانشجویی از ثبت نام در کلاس ها، بازنشستگی اجباری اساتید نامطلوب در دانشگاه ها، و «اسلامی سازی» برنامه های درسی علوم اجتماعی نظارت کند. در سال 2011، مقامات به اسلامی سازی برنامه های درسی پرداختند و دست کم در یک دانشگاه چندین رشته ی تحصیلی علوم اجتماعی را حذف کردند.

دولت به شکل منظم از حق آزادی بیان افرادی که دوست ندارد، مانند اعضای مخالفان، روحانیون مخالف، فعالان حقوق بشر و وکلا، ممانعت می کند. پس از سرکوب اعتراضات خیابانی بعد از انتخابات، دولت به سیاست های سانسورگرانه خود برای جلوگیری از فعالیت وبلاگ های تحلیلی و سیاسی مخالفان شدت بخشیده است و کوشیده است با کاهش سرعت اینترنت مانع دسترسی افراد به وب، و با پخش پارازیت مانع پخش برنامه های ماهواره ای خارجی شود. دولت همچنان بخش ویژه ای را در سپاه پاسداران ایجاد کرده است که وظیفه آن مبارزه با وبسایت های مخالفان می باشد.⁴⁵

ایجاد محدودیت بر آزادی تجمعات و گردهمایی ها (ماده های 2، 21، 3، 22)

تظاهرات خیابانی عمومی به دنبال انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری 2009، در اوایل سال 2010 و در نتیجه ی سرکوب خشن تظاهرکنندگان توسط دولت در مجموع در هم شکست. ده ها تن کشته و صدها نفر توسط مقامات دستگیر شدند. در فوریه و مارس 2011، این اعتراضات خیابانی با آمدن هزاران نفر به خیابان ها برای ابراز حمایت از جریانهای دموکراسی خواهانه کشورهای همسایه و اعتراض به دستگیری رهبران مخالفان، میرحسین موسوی و مهدی کروبی از سر گرفته شد.⁴⁶ دولت به این موج اعتراضات واکنش شدید نشان داد که در نتیجه آن 3 تن کشته و و صدها تن دیگر دستگیر شدند.⁴⁷ در آوریل، ده ها نفر که اغلب عرب تبار بودند توسط

⁴¹ به طور مثال، ژیل بنی یعقوب براساس اتهام «تبلیغ علیه نظام» در سال 2011 محکوم به یک سال زندان و 30 سال محرومیت از کارهای خبرنگاری شد. به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «مدافع حقوق بشر جایزه اش را به زنان فعال در بند اهدا می کند»، 10 نوامبر 2010، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/news/2010/11/10-0>

⁴² ژورنالیست های خارجی و آنانی که دارای تابعیت دوگانه ایرانی و خارجی اند نیز بازداشت و محاکمه شده اند. به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: مرتضوی را برای مرگ هایی که در حبس رخ داده تحت تعقیب قرار دهید»، 13 ژانویه 2010، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/news/2010/01/13>

⁴³ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: مرتضوی را برای مرگ هایی که در حبس رخ داده تحت تعقیب قرار دهید»، 13 ژانویه 2010، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/news/2010/01/13>

⁴⁴ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی کمیسیون بین المللی حقوق بشر، «وبلاگ نویس ایرانی، حسین درخشان، به بیشتر از 19 سال حبس محکوم شد»، قابل دسترسی در <http://www.iranhumanrights.org/2010/09/iranian-blogger-hossein-derakhshan-receives-19-5-years-in-prison/>

⁴⁵ (آخرین بازدید 23 اوت 2011) به عنوان نمونه نگاه کنید به نامه دیده بان حقوق بشر به اتلیسات، 23 جون 2010، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/en/news/2010/06/23/letter-eutelsat-corporation>

⁴⁶ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: به حملات علیه اعتراضات مسالمت آمیز پایان دهید»، 14 فبروری 2011، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/news/2011/02/14/iran-stop-attacks-peaceful-demonstrators>

⁴⁷ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: به خشونت علیه تظاهرکنندگان پایان دهید»، 3 مارس 2011، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/news/2011/03/03-4>

نیروهای دولتی در استان جنوب غربی خوزستان کشته و ده ها نفر نیز بازداشت شدند. وزرات کشور تا کنون از صدور مجوز برای تظاهرات مسالمت آمیز ابا می ورزد که این عمل نقض صریح میثاق و ماده 27 قانون اساسی ایران می باشد.

از زمان ارائه ی گزارش سال 1993 دولت به کمیته، مقامات ایران به شکل سیستماتیک نهادهای جامعه مدنی از جمله دانشجویان، زنان، کارگران، ژورنالیست ها، وکلا و گروه های حقوق بشری را هدف قرار داده و آنان را مورد اذیت و آزار قرار می دهند تا مانع برگزاری فعالیت ها و ملاقات های آنان با یکدیگر شوند. فشار بر جامعه مدنی در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد به شدت افزایش یافته است. در آوریل 2011، 9 نهاد حقوق بشری و کارگری نگرانی جدی خود را در مورد پیش نویس لایحه ای معطوف به ایجاد محدودیت شدید علیه فعالیت های نهادهای مدنی مستقل ابراز کردند.⁴⁸

حتی قبل از ناآرامی های انتخابات 2009، مقامات چندصد دانشجو را که عضو تشکل های دانشجویی بودند بازداشت و یا از تحصیل تعلیق کردند.⁴⁹ وزاری دولت نهادهایی مانند تحکیم وحدت (دفتر تحکیم وحدت) که یک انجمن مستقل دانشجویی است را غیر قانونی اعلام کردند.⁵⁰ نیروهای امنیتی به بهانه ناآرامی های بعد از انتخابات، رهبران جنبش دانشجویی را هدف گرفتند و چندین عضو مرکزی ادوار تحکیم وحدت، (که نهاد ملی فارغ التحصیلان دفتر تحکیم وحدت است) را به اتهام امنیت ملی بازداشت کردند.

از سال 2005 تاکنون، ایران به شدت اقدامات سرکوبگرانه علیه فعالان حقوق زنان را افزایش داده است.⁵¹ مقامات فعالان حقوق زنان، به ویژه اعضا و دواطلبان کمپین یک میلیون امضا را از تجمع و دادخواست علیه قوانین تبعیض گرایانه منع کرده اند.⁵² تعداد زیادی از دواطلبان این کارزار به شکل خودسرانه بازداشت و دستگیر شده اند. نیروهای امنیتی به شکل منظم از تجمع مادران عزادار، مادرانی که فرزندان آنان در جریان ناآرامی های بعد از انتخابات 2009 کشته شده اند، در پارک لاله تهران جلوگیری می کنند.⁵³

مقامات از ایجاد اتحادیه های صنفی، مانند تشکيل اتحادیه های مستقل کارگری از جمله سندیکای کارگران تهران، واحد اتوبوس رانی حومه تهران، انجمن های معلمان، و کمیته هماهنگی برای تاسیس اتحادیه های صنفی، توسط کارگران جلوگیری می کنند. نیروهای امنیتی این مجامع و دیگران را از تجمع و برپایی اعتراضات عمومی منع می کنند. سرکوب دولت گاهی شکل خشونت آمیز به خود می گیرد و بسیاری از اعضای این مجامع دستگیر و به اتهام ارتکاب جرائم مرتبط با امنیت ملی روانه زندان شده اند. اعضای خانواده افرادی که زندانی شده اند نیز مورد بازداشت های خودسرانه قرار گرفته اند. چندین رهبر کارگری، مانند منصور اسانلو، محمود صالحی، و مجید حمیدی در حال حاضر دوران حبس خود را به اتهاماتی که دارای انگیزه های سیاسی است در زندان می گذرانند.⁵⁴

دولت همچنین احزاب مخالف و رهبران آنان را هدف قرار داده است. نیروهای امنیتی در واکنش به درخواست میرحسین موسوی و مهدی کروبی، نامزدان سابق مقام ریاست جمهوری، مبنی بر راه اندازی تظاهرات عمومی در ماه فوریه، ده ها فعال سیاسی را شامگاه 8 فوریه خودسرانه بازداشت کردند. چند روز بعد از آن، موسوی و کروبی را هم تحت بازداشت خانگی قرار دادند، حبس خانگی ای که تا به امروز ادامه دارد.⁵⁵ در 27 سپتامبر 2010، دادستان کل کشور طی فرمانی از سوی دادگاه، انحلال دو حزب اصلاح طلب، جبهه مشارکت ایران اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، را صادر کرد. به همین صورت، مقامات برای ساکت کردن مخالفان سازمان های حرفه ای از جمله کانون روزنامه نگاران و کانون وکلا را غیر قانونی اعلام کرده اند.⁵⁶

⁴⁸ نگاه کنید به اعلامیه مشترک نهادهای غیردولتی، «ایران: مجلس نگرانی های جوامع مدنی در مورد پیش نویس لایحه را نادیده می گیرد»، 10 آوریل 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2011/04/10/iran-parliament-ignores-concerns-independent-civil-society-organisations-over-draft>

⁴⁹ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: دانشجویانی که به دلیل اعتراضات صلح آمیز بازداشت شده اند را رها کنید»، 27 فوریه 2009، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2009/02/27>

⁵⁰ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «افزایش عملیات سرکوبگرانه علیه دانشجویان»، 7 دسامبر 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2010/12/07>

⁵¹ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «مدافع حقوق بشر جایزه اش را به زنان فعال در بند اهدا کرد»، 10 نوامبر 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2010/11/10-0>

⁵² همانجا

⁵³ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: طرفداران مادران عزادار را آزاد کنید»، 5 مارچ 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2010/03/05-1>

⁵⁴ به عنوان نمونه نگاه کنید، شما هرکسی را به هر دلیلی می توانید بازداشت کنید.

⁵⁵ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: به خشونت ها علیه تظاهرکنندگان پایان دهید»، 3 مارچ 2011، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2011/03/03-4>

⁵⁶ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مشترک نهادهای غیر دولتی، «ایران: دفاع وکلا به هزینه آزادی»، 1 اکتبر 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2010/10/01-0>

تبعیض و بدرفتاری با اقلیت های قومی، مذهبی، و دیگر گروه های اقلیتی (ماده های 2، 18)

دولت حق آزادی مذهب را برای پیروان آئین بهایی، که بزرگترین گروه اقلیت مذهبی غیر اسلامی در ایران است، انکار می کند.⁵⁷ در اوت 2010، دادگاه هفت تن از رهبران سازمان ملی بهایی را بعد از 20 ماه بازداشت بدون تفهیم اتهام، به 20 سال زندان محکوم کرد. آنها پس از یک محاکمه ناعادلانه در دادگاه که هیچ سندی علیه آنها ارائه نشد، به جرم جاسوسی محکوم شدند.⁵⁸ در تاریخ 21 می، نیروهای امنیتی در جریان یک سلسله حملات هماهنگ شده، دست کم 30 بهایی را در چندین شهر ایران دستگیر کردند. همه بازداشت شدگان با موسسه آموزش عالی بهائیان، یک دانشگاه مکاتباتی که در سال 1987 به دنبال سیاست محروم سازی بهائیان از آموزش عالی تاسیس شد، در تماس بودند.⁵⁹

قوانین ایران در بخش آموزش و پرورش و کاربایی علیه اقلیت های مذهبی از جمله سنی ها تبعیض آمیز است.⁶⁰ سنی ها، که اکثریت آنان اقلیت های قومی نیز می باشند و حدود 10 درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهند، اجازه احداث مساجد در شهرهای بزرگ را ندارند. در سال 2010، نیروهای امنیتی چندین عضو بزرگترین شاخه صوفی های ایران، نعمت الهی گنابادی، را دستگیر کردند و بر خانه ها و عبادتگاه های آنان یورش بردند. مقامات افراد گرویده به مسیحیت را هدف بازجویی و دستگیری قرار می دهند. از 2009 الی 2011، مقامات ده ها شخص گرویده به مسیحیت را در شهرهای بزرگ دستگیر و بازداشت کرده اند. مقامات این افراد را که بسیاری از آنان مربوط به گروه های تیشیری پروتستان می باشد، به «اقدام علیه امنیت ملی»، «توهین به مقدسات اسلامی»، و ارتداد متهم کرده اند. در 23 اوت 2010، دادگاه تجدید نظر حکم اعدام یوسف ندرخانی، کشیش 34 ساله که درس 19 سالگی به مسیحیت گروید و رهبری یک جماعت 400 نفری از مسیحیان تیشیری را به عهده دارد، را تایید کرد.⁶¹ ندرخانی به ارتداد متهم شده بود، در حالی که چنین جرمی در قانون جزای ایران وجود ندارد.

دولت همچنین بر فعالیت های سیاسی و فرهنگی آذری ها، کردها و عرب ها و حتی سازمان هایی که حول محور مسایل اجتماعی اقلیت های قومی فعالیت می کنند، محدودیت اعمال می کند. در ظرف چند سال گذشته، دیده بان حقوق بشر موارد متعدد نقض حقوق بشر در رابطه با اقلیت های کرد⁶² و عرب های اهوازی را مستند ساخته است. دیده بان حقوق بشر اطلاعات موثقی در دست دارد که نشان می دهد در آوریل 2011، نیروهای امنیتی ده ها تن تظاهرکننده عمدتاً عرب را در استان جنوب غربی خوزستان کشته اند.⁶³ تظاهرات 2011، به مناسبت ششمین سالگرد تظاهرات 2005 خوزستان برگزار شده بود که در آن نیروهای امنیتی برای درهم شکستن تظاهرات اهواز و شهرهای دیگر آن استان بر روی تظاهرکنندگان آتش گشودند. این بار نیز مانند سال 2005، مقامات صدها نفر عرب تبار را دستگیر و تعدادی از آنان را در دادگاه هایی که ناقض تشریفات حقوقی بود، محاکمه کردند. در این دادگاه ها متهمین یا دسترسی محدود به وکیل داشتند و یا هیچ دسترسی نداشتند و چند نفری از آنان نیز بعد از محاکمه در این دادگاه ها اعدام شدند.⁶⁴

⁵⁷ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: به آزار بهائیان پایان دهید»، 23 فوریه 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2010/02/23-1>

⁵⁸ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: رهبران بهائیان را فوراً آزاد کنید»، 10 اوت، 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2010/08/10-4>

⁵⁹ نگاه کنید به اعلامیه جامعه جهانی بهائیان، «برنامه های آموزشی بهائیان هدف یورش قرار گرفتند»، 22 می 2011، قابل دسترس <http://bic.org/home-stories/bahai-educational-programme-targeted-in-raids> (آخرین بازدید 23 اوت، 2011)، و همچنان نگاه کنید، اعلامیه مطبوعاتی کمپین بین المللی حقوق بشر، «دولت به دانشگاه آنلاین بهائیان حمله و 30 تن از اساتید را بازداشت کرد»، 23 می، 2011، قابل دسترس <http://www.iranhumanrights.org/2011/05/bahai-university-attacked/> (آخرین بازدید 23 اوت، 2011)

⁶⁰ به طول مثال، مسلمانان سنی (و سایر اقلیت های مذهبی) عملاً از استخدام در وزارت خانه های دولتی، در صورتی که به اصل ولایت فقیه اذعان نکنند، محروم می شوند. اصل ولایت فقیه که توسط سرمداران حاکمیت اسلامی حمایت می شود به معنی رهبری یک فقیه شیعی بر امور دولت می باشد و از اینرو، مسلمانان سنی آن را تایید نمی کنند.

⁶¹ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی کمپین بین المللی حقوق بشر، «دیوان عالی تصریح کرد در صورتی که کشیش مسلمان نبوده و توبه کند مجازات اعدام نادرست است»، 26 جولای 2011، قابل دسترس <http://www.iranhumanrights.org/2011/07/nadarkhani-no-execution-if-not-muslim-and-repents/> (آخرین بازدید 23 اوت، 2011). دیوان عالی با صدور حکمی بعد از آن تصریح کرد اگر ندرخانی بعد از سن تکلیف مسلمان بوده باشد، او مرتد محسوب می شود و باید اعدام گردد. در صورتی که وی مسلمان نبوده باشد، باید توبه کند و از دین مسیحیت برگردد. در غیر آن صورت، اعدام خواهد شد.

⁶² نگاه کنید به گزارش دیده بان حقوق بشر، «آزادی بیان و تجمعات در مناطق کردنشین»، ژانویه 2009، قابل دسترس <http://www.hrw.org/en/reports/2009/01/08/iran-freedom-expression-and-association-kurdish-regions>

⁶³ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «درمورد گزارشات رسیده مبنی بر قتل تظاهرکنندگان تحقیق کنید»، 29 آوریل 2011، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2011/04/29/iran-investigate-reported-killings-demonstrators>

⁶⁴ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «دستور اعدام ایرانیان خوزستان را متوقف کنید»، 10 نوامبر 2006، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2006/11/10>

به علاوه، دولت به شکل سیستماتیک افراد را براساس گرایش‌های جنسی و هویت جنسی آنان مورد تبعیض قرار می‌دهد.⁶⁵ قانون مجازات اسلامی هر نوع رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج سنتی را جرم تلقی می‌کند. «جرایم» همجنسگرایی تابع حدود می‌باشند که عبارت از جرایمی اند که طبق قوانین شرع یا قانون اسلامی دارای مجازات شدید هستند. بر طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات لواط مرگ است. ایران یکی از هفت کشور جهان است که قوانین آن مجازات اعدام را برای روابط همجنسگرایی مبتنی بر رضایت دوجانبه مجاز می‌داند.⁶⁶ آن ماده‌های قانون مجازات اسلامی که روابط همجنسگرایانه رضایت‌مندانه را جرم تلقی کرده و قابل مجازات اعدام می‌داند، مخالف الزامات حقوقی میثاق می‌باشد. میثاق به استثنای «مهم‌ترین جنایات»، صدور حکم اعدام را برای سایر جرایم ممنوع می‌کند.⁶⁷

افزون بر آن، نیروهای امنیتی ایران، من جمله پلیس و شبه نظامیان تندرو بسیج، با تکیه بر قوانین تبعیض آمیز افرادی را که مظنون به همجنسگرایی هستند مورد اذیت و آزار قرار داده و بازداشت و دستگیر می‌کنند. دیده بان حقوق بشر مواردی را مستند ساخته است که نیروهای امنیتی به منظور بازداشت افرادی که مظنون به اعمال یا گرایش‌های جنسی ناسازگار با معیارهای اجتماع بوده اند به خانه‌ها حمله کرده و سایت‌های اینترنتی را تحت نظر گرفته اند. در دادگاه‌های ایران افرادی که به داشتن روابط جنسی رضایت‌مندانه متقابل متهم اند، شانس کمتری دارند تا مورد محاکمه منصفانه قرار بگیرند و دلیل آن هم تا حدی مربوط به برخورد قضات با این موضوع می‌شود. قضات در بررسی پرونده‌های همجنسگرایی دستورالعمل‌های مربوط به وجود ادله مثبت را نادیده می‌گیرند و به جای آن به اعترافات که تحت شکنجه و فشارهای شدید روانی گرفته شده است تکیه می‌کنند.⁶⁸

هدف قرار دادن مدافعان حقوق بشر (ماده‌های 2، 9، 10، 14، 17، 19، 21):

تلاش‌های دولت برای ارباب مدافعان حقوق بشر و وکلا و منع آنها از فراهم آوردن حمایت‌های عملی موثر برای قربانیان نقض حقوق بشر بی‌وقفه ادامه دارد. امروز تعداد بسیار زیادی از مدافعان برجسته حقوق بشر ایران یا در زندان بسر می‌برند و یا در تبعید در خارج از کشور.⁶⁹

دولت به فشارهای خود علیه وکلا از سال 2005 و به ویژه بعد از اعتراضات خیابانی متعاقب انتخابات 2009 شدت بخشیده است.⁷⁰ چندین وکیل، از جمله اولیایی فرد، در حال حاضر دوران حکم خود را در زندان و به دلیل اتهاماتی که انگیزه‌های سیاسی دارد سپری می‌کنند. این در حالی است که وکلای دیگر مانند شرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، عملاً در تبعید اجباری به سر می‌برد، چرا که مقامات دفتر کار او یعنی مرکز مدافعان حقوق بشر را تعطیل کرده اند.⁷¹ در سپتامبر 2010، مقامات نسرین ستوده را دستگیر کردند. ستوده وکالت تعداد زیادی از فعالین سیاسی را به عهده داشت.⁷² در 9 ژانویه 2011، مقامات ایرانی نسرین ستوده را به 11 سال زندان به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» محکوم و همچنین او را از شغل وکالت و اجازه ترک کشور برای 20 سال محروم کردند.

⁶⁵ نگاه کنید به گزارش دیده بان حقوق بشر، «ما نسلی مدفون شده ایم: تبعیض و خشونت علیه اقلیت‌های جنسی ایران»، دسامبر 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/node/94978>.

⁶⁶ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران و خشونت علیه اقلیت‌های جنسی»، 15 دسامبر 2010، قابل دسترس

<http://www.hrw.org/news/2010/12/15-1>

⁶⁷ شورای حقوق بشر سازمان ملل از تمام کشور‌های عضو خواست که تمام قوانینی که همجنسگرایی و روابط جنسی رضایت‌مندانه میان بزرگسالان را جرم تلقی می‌کند را لغو کنند.

⁶⁸ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: تبعیض و خشونت علیه اقلیت‌های جنسی»، 15 دسامبر 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2010/12/15-1>. دادگاه‌های ایران افراد متهم به همجنسگرایی را براساس «علم قاضی که از طرق متعارف حاصل شده است» محکوم نموده اند. این ماده‌های قانون مجازات اسلامی به قاضی اجازه می‌دهد حتی در صورت عدم موجودیت اسناد اثباتیه جرم و وجود مدارک تبرئه کننده از جرم، بر روی قرائن و شواهد جانبی بی‌پایه تکیه کرده و حکم صادر نماید.

⁶⁹ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «تعمیق بحران حقوق بشر»، 26 ژانویه 2011، قابل دسترس

<http://www.hrw.org/news/2011/01/26-2>

⁷⁰ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی سازمان‌های غیردولتی، «ایران: دفاع وکلا با هزینه آزادی»، 1 اکتبر 2010، قابل دسترس

<http://www.hrw.org/news/2010/10/01-0>

⁷¹ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «به اذیت و آزار شرین عبادی پایان دهید»، 10 دسامبر 2009، قابل دسترس <http://www.hrw.org/en/news/2009/12/10/iran-stop-harassing-shirin-ebadi>; «ایران: به اذیت و آزار شرین عبادی، برنده

جایزه صلح نوبل پایان دهید»، 30 دسامبر 2008، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2008/12/30-0>

⁷² به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مشترک سازمان‌های غیردولتی، «ایران: دفاع وکلا به هزینه آزادی»، 30 دسامبر 2008، قابل دسترس

<http://www.hrw.org/news/2010/10/01-0>

محمد مصطفایی بعد از آن که چندین بار برای بازجویی احضار و همسر، پدر همسر، و برادر همسرش بازداشت شدند مجبور شد تا کشور را ترک کند.⁷³ محمد مصطفایی مسئولیت پرونده های مهمی مانند سکینه محمدی آشتیانی، زنی که محکوم به مجازات سنگسار شده بود، و تعداد زیادی از نوجوانانی که محکوم به اعدام شده اند را به عهده داشت.⁷⁴ در اکتبر 2010، دادگاه انقلاب محمد سیف زاده، یکی از همکاران شرین عبادی و از بنیانگذاران مرکز مدافعان حقوق بشر، را به 9 سال زندان و محرومیت از شغل وکالت محکوم کرد. در سال 2011، دادگاه محمدعلی دادخواه، یکی دیگر از بنیانگذاران و سخنگوی مرکز مدافعان حقوق بشر، را به 9 سال زندان و 10 سال محرومیت از تدریس در دانشگاه و حرفه وکالت محکوم کرد.⁷⁵ یکی دیگر از دادگاه های انقلاب، خلیل بهرامیان را به جرم «تبلیغ علیه نظام»، و «توهین به رئیس قوه قضائیه» به 18 ماه زندان و 10 سال محرومیت از حق وکالت محکوم کرد.⁷⁶

نیروهای امنیتی هر روزه فعالان حقوق بشر را دستگیر و بدون اتهام بازداشت می کنند. شمار نهادهای مستقل حقوق بشر فعال در کشور، در صورت وجود، بسیار محدود است.

در مارچ 2010، تعداد زیادی از فعالان حقوق بشر در نتیجه یک یورش نیروهای امنیتی دستگیر و متهم به تلاش برای براندازی نظام توسط «جنگ سایبری» شدند.⁷⁷ در 21 سپتامبر 2010، یک دادگاه انقلاب عماد باقی را به شش سال حبس به دلیل مصاحبه چند سال قبل او با آیت الله منتظری، فقیه برجسته مخالف دولت، محکوم کرد. یکی دیگر از دادگاه های انقلاب شیوا نظر آهاری و کوهیار گودرزی، که هر دو از جمله اعضای کمیته گزارشگران حقوق بشر بودند، را چندین ماه بعد از نگهداری در «بازداشت موقت» به ترتیب به 6 سال و یک سال حبس به دلیل ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی محکوم کرد.⁷⁸

برای اطلاعات بیشتر، لطفاً به صفحه ذیل دیده بان حقوق بشر در مورد ایران مراجعه کنید:
<http://www.hrw.org/en/middle-eastn-africa/iran>

⁷³ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: ارعاب و آزار وکیل و خانواده اش را پایان دهید»، 30 جولای 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2010/07/30>

⁷⁴ هوتن کیان، وکیل خانم آشتیانی، نیز در حال حاضر در حبس می باشد.
⁷⁵ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی کمپین بین المللی حقوق بشر، «وکیل برجسته ایرانی به هشت سال زندان و 10 سال محرومیت از شغل وکالت محکوم شد»، 4 جولای 2011، قابل دسترس <http://www.iranhumanrights.org/2011/07/dadkhah-prison-ban/> (آخرین بازدید 23 آوت 2011)

⁷⁶ نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی کمپین بین المللی حقوق بشر، «یکی دیگر از وکلای حقوق بشر محکوم شد»، قابل دسترس <http://www.iranhumanrights.org/2011/02/another-human-rights-lawyer-sentenced/> (آخرین بازدید 23 آوت 2011)
⁷⁷ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «ایران: حملات هماهنگ شده علیه گروه های حقوق بشر»، 24 مارچ 2010، قابل دسترس <http://www.hrw.org/news/2010/03/24-1>

⁷⁸ به عنوان نمونه نگاه کنید به اعلامیه مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر، «فعال حقوق بشر را آزاد کنید؛ برگزاری دادگاه عادلانه را تضمین نمایید»، 1 سپتامبر 2010، <http://www.hrw.org/news/2010/09/01-0>